



سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۷

محسن امین زاده*

در سال ۱۳۸۷ تغییر ویژه‌ای در سیاست خارجی کشور اتفاق نیفتاده است. سیاست خارجی در مسیر بحران آفرینی که ارجاع پرونده‌های هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۱۳۸۵ نقطه عطف آن است، به پیش می‌رود. نقد مداوم سیاست خارجی دولت از سال ۱۳۸۴ و خسارات تکان دهنده سیاست خارجی ماجراجویانه باعث تجدیدنظر دولت نشده و عملاً در این سال نیز کمتر نشانه‌ای از خردگرایی در سیاست خارجی مشاهده می‌شود. عملکرد دولت در سیاست خارجی موقعیت ایران را در صحنه جهانی را بهتر نکرد و به جز استثنائی که به آن اشاره خواهد شد، در حوزه‌های دیگر، اگر روند رو به وخامت اوضاع کند شده، ناشی از بهبود عملکرد دولت در سیاست خارجی نبوده است. بلکه تحولات بین‌المللی و فرصت‌های ناشی از این تحولات سبب آن بوده است. در این جا با پرهیز از تکرار مباحث گذشته، تنها به چند مساله کلیدی‌تر اشاره می‌شود.

پرونده هسته‌ای ایران

در سال ۱۳۸۷ روند پرونده هسته‌ای ایران تداوم یافت و توسعه ایران بیش از گذشته از خسارات ناشی از تحریم‌های ایران لطمه دید. هر چند در این سال نیز اختلافات میان آمریکا و روسیه مانع تشدید روند نامحدود به ایران شد، اما گزارش‌های مربوط به پرونده هسته‌ای ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل متحد، رنگ و بوی نظامی بیشتری نسبت به گذشته پیدا کرد و اتهامات جدید، تلاش‌های بی‌دریغ و بی‌سابقه ایران برای شفاف‌سازی در زمینه هسته‌ای را تا حد زیادی خنثی نمود. اگرچه این تحولات بین‌المللی در شرایط غیربحرانی، می‌توانست به حل بحران‌های بین‌المللی ایران کمک کند، اما در مورد ایران منزوی، تنها باعث کنترل روند رشد یابنده تحریم‌ها علیه ایران شد. در این میان از جمله اقدامات جالب روسیه پیش‌قدمی این کشور برای تصویب قطعنامه‌ای بود که با رنگی قدری نظامی‌تر شده، بر

قطعنامه‌های دیگر ایران تاکید می‌نمود تا به ایران پیام دهد که اختلافاتش با آمریکا، منجر به فرصتی برای ایران نخواهد شد.

شواهد نشان می‌دهد که ظاهراً روسیه در شرایط استقرار دولت جدید آمریکا که تمایل چندانی به توسعه نظامی و تشدید اختلافاتش با روسیه بر سر استقرار سپر موشکی در اروپا ندارد، درصدد است که معامله‌ای مشابه معامله‌ای که چین با دولت کلینتون بر سر خروج از کارخانه فرآوری هسته‌ای اصفهان انجام داد و به تحریم‌های آمریکا علیه چین پایان داد، بر سر تأخیر یا عدم تأخیر بیشتر در راه‌اندازی نیروگاه بوشهر، در مقابل استقرار و عدم استقرار سپر موشکی در اروپا، با دولت اوباما انجام دهد. برخی اقدامات روسیه در نمایش احتمال راه‌اندازی نیروگاه بوشهر نیز، در این چارچوب تحلیل می‌شود.

به دنبال جنجال‌های شدیدی که در مورد تعداد سانتریفیوژهای تولید شده در سال‌های قبل به راه افتاده بود، در سال ۱۳۸۷ تبلیغات مربوط به تولید سانتریفیوژهای جدید کم‌رنگ شد و در عمل نیز روند تولید این دستگاه‌ها کند شد. جنجال بر سر تولید سانتریفیوژهای بیشتر، بدون در اختیار داشتن نیروگاه هسته‌ای، از ابتدا سیاستی ماجراجویانه و سازگار با مشی نظامی‌گرایان آمریکایی بود که در مورد صلح‌آمیز بودن صنایع هسته‌ای ایران ایجاد تردید می‌کردند. سیاستی که به بزرگ‌ترین شکست سیاست خارجی ایران، یعنی ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت منجر شد. در عین حال کاهش تولید سانتریفیوژ و کاهش تبلیغات جنجالی در مورد صنعت هسته‌ای کشور کمک چندانی به کاهش بحران ایران در صحنه بین‌المللی نکرد.

تلاش برای بهبود روابط با آمریکا

در سال ۱۳۸۷ تلاش‌هایی برای بهبود روابط با آمریکا دنبال شد. بحران اقتصادی آمریکا، رقابت شدید داخلی آمریکا و نهایتاً پیروزی اوباما و شکست نظامی‌گرایان افراطی در این کشور، سیاست دولت

جدید آمریکا برای کاهش نظامی‌گری و کاهش نیروهایش در منطقه و نیاز این کشور به کاهش تنش با ایران، از جمله فرصت‌های تعیین‌کننده و بی‌نظیری بودند که می‌توانستند زمینه کاهش و حل بحران‌های مهم بین‌المللی ایران را فراهم کنند اما به دلیل ناکارآمدی و ماجراجویی سیاست خارجی ایران، حاصل همه این فرصت‌ها، تنها کند شدن روند تشدید مشکلات بین‌المللی ایران بود. دولت ایران که این بار قصد داشت از بهبود رابطه با آمریکا تابلویی تبلیغاتی برای انتخابات آینده نیز تدارک بیند، در این رابطه حتی از شعارهای ارزشی خود در سیاست خارجی هم دست برداشت و از هر اقدامی برای نزدیک شدن و گفت‌وگوی مستقیم با دولت آمریکا دریغ نکرد. شایعات متعددی در مورد تماس‌های پنهان دولتمردان ایران با مقامات آمریکا منتشر شد که بعضی از آن‌ها بخصوص در نیمه دوم سال ۱۳۸۷ تأیید گردید. اما همه این تلاش‌ها برای ایجاد زمینه گفت‌وگویی موثر با دولت جدید آمریکا، دستاوردی برای دولت ایران نداشت و مخالفت‌های ضمنی برخی روزنامه‌های به ظاهر رادیکال همراه دولت در ماه‌های آخر سال، حاکی از عدم موفقیت این تلاش‌ها بود.

سفرهای رییس‌جمهور به خارج از کشور
رییس‌جمهور در این سال، ۶ سفر مهم‌تر به کشورهای پاکستان، هند، ترکیه، ایتالیا، چین و عراق انجام داد که تمامی این سفرها نه تنها موجب تقویت عزت و منزلت جمهوری اسلامی ایران در سطح جهان و منطقه نشده، بلکه در مواردی به تحقیر نیز انجامیده است.

رییس‌جمهور در سفر به ایتالیا برای شرکت در اجلاس بین‌المللی اتحادیه کشاورزی (فائو)، به دلیل سخنان آشنینش علیه رژیم صهیونیستی، در صدر خبرهای اجلاس قرار گرفت. اما توهین‌های گسترده علیه رییس‌جمهور ایران و بی‌احترامی‌های شدید میزبان نسبت به وی نیز، در صدر این اخبار قرار داشت. بخش اول خبرها در رسانه‌های ایران منتشر شد و طبعاً بخش تحقیرها و توهین‌ها نسبت به رییس‌جمهور ایران

در رسانه‌های ملی ایران کاملاً سانسور گردید. بروز چنین رفتار ناشایستی از سوی ایتالیا نگرانی بیشتری ایجاد کرد؛ زیرا ایتالیا شریک مهم ایران در اروپاست و از این نظر، تمایل شدیدی به همکاری اقتصادی با ایران دارد. این کشور همواره نسبت به ایران بسیار منصف بوده و سال‌هاست که سیاست گسترش روابط با ایران را دنبال می‌کند. در این سفر کار به جایی رسید که رهبران ایتالیا حاضر به ملاقات (حتی تشریفاتی) با رئیس‌جمهور ایران نشدند. رئیس‌جمهور ایران در کنار رئیس‌جمهور زیمبابوه (که حداقل در اروپا بسیار بدنام است)، قرار گرفت و هر دو از لیست میهمانان شام رسمی نخست‌وزیر ایتالیا حذف شدند. علیه وی تظاهرات به راه افتاد و نه تنها دولت ایتالیا ممانعتی نکرد، بلکه سه وزیر کابینه، معاون وزیر خارجه، ظاهراً شهردار رم و تعدادی از نمایندگان پارلمان ایتالیا، در تظاهرات علیه رئیس‌جمهور ایران شرکت کردند. من بعید می‌دانم که در کشوری امکان داشته باشد که بیش از این به یک رئیس‌جمهور میهمان بی‌احترامی بشود.

سران کشورهای همسایه ایران، بخصوص رهبران پاکستان و ترکیه همواره اهمیت ویژه‌ای برای دیدارهای دوجانبه در سطح عالی با ایران قائل بوده‌اند. رهبران این دو کشور معمولاً به صورت رویه‌سفر به ایران را (حتی گاه بدون رعایت نوبت سفر متقابل سران کشورها) در زمره اولین دیدارهای خارجی ضروری خود، پس از رسیدن به قدرت دانسته و همواره از دیدار متقابل رهبران ایران از کشورشان قویاً و به گرمی استقبال کرده‌اند. این رویه پس از انقلاب اسلامی نیز کم و بیش متعارف بوده و غالباً از سوی رهبران این کشورها رعایت شده است. به دلایلی که طبعاً به موقعیت عمومی ایران در صحنه بین‌المللی مربوط است در سه سال گذشته این کشورها و همچنین هند، حاضر به دعوت از رئیس‌جمهور ایران، برای دیدار رسمی از این کشورها نشدند. با فشار مسئولان ریاست جمهوری، تلاش زیادی از سوی مسئولان وزارت امور خارجه برای تدارک چنین سفرهایی صورت گرفت. نهایتاً رئیس‌جمهور ایران در اردیبهشت ماه به سفرهای عبوری به دو کشور پاکستان و هند تن داد و طی دو دیدار نیم‌روزه در مسیر سفر به سریلانکا به این کشورها سفر کرد. در مسیر رفت نصف روز در پاکستان توقف کرد و در مسیر برگشت نصف روز به هند رفت. طبعاً به دلیل آن که این سفرها به جای دیدارهای

عالی حکومتی انجام می‌شده برای جمهوری اسلامی ایران موجب تقویت عزت و منزلت نبود و نشان می‌داد که مسئولان ایران، به دعوت کشورهای دیگر برای سفر خارجی نیاز دارند و حاضرند برای عملی کردن سفرهای خارجی، ملاحظات و آداب متعارف بین‌المللی برای رعایت احترام متقابل را نیز نادیده بگیرند.

در مورد سفر به ترکیه هر چند ظاهراً وضعیت بهتر بود و دعوتنامه‌ای برای رئیس‌جمهور ایران ارسال شده بود، اما قبل از انجام سفر، مشخص شد که ترک‌ها که همواره با اشتیاق میزبان دیدارهای رسمی در سطح عالی روسای جمهور ایران می‌شدند، این بار تنها حاضر به قبول دعوت از رئیس‌جمهور ایران برای یک دیدار فاقد تشریفات در سطح عالی شده‌اند. به دنبال فشار وزارت خارجه و سفارت ایران در ترکیه، نهایتاً مقامات ترکیه پذیرفتند که رئیس‌جمهور ایران راه، نه برای انجام دیدار رسمی در حد عالی از آنکارا، بلکه در چارچوب سفرهای تفریحی رهبران کشورها در ماه آگوست، به استانبول دعوت کنند و تنها لطفشان در سفر این بود که برنامه‌های سیاسی و دیدارهای طی سفر را قدری بیشتر از حد متعارف سفرهای تفریحی تدارک دیدند. هر چند با کمک رسانه‌های ملی، در ایران این سفر به جای یک سفر متعارف در سطح عالی به کشور ترکیه نشان داده شد. تاثیر سوء چنین رویه‌هایی بر عزت و منزلت ملی ایران بسیار جدی است. پیش از سفر رئیس‌جمهور به ترکیه در مقاله‌ای به رئیس‌جمهور توصیه کردم که با این دعوتنامه به ترکیه نرود زیرا مسلماً خسارت تعطیل کردن چنین سفرهایی، به مراتب کمتر از خسارات ناشی از پذیرش بی‌عزتی و توهین و تحقیر برای انجام این سفرهاست. اما رئیس‌جمهور به ترکیه رفت و پس از آن نیز در سفر تفریحی دیگری عازم چین شد و در مراسم افتتاح مسابقات پارالمپیک شرکت نمود. در حالی که همه رهبران معتبر و غیرمعتبر جهان که برای سفر تفریحی به چین رفته بودند، در مراسم باشکوه افتتاح المپیک شرکت کردند، رئیس‌جمهور ایران به سفر تفریحی انزوا گونه‌ای برای شرکت در افتتاح پارالمپیک تن داد و در مراسمی نشست که همچنان که از ابتدا مشخص بود، حتی رهبران چین هم اهمیت سیاسی کافی به آن ندادند.

در دنیا این وجوه سمبلیک سازگار با وضعیت منزوی و آسیب‌دیده ایران مورد توجه قرار گرفت

و در ایران تلاش شد که این سفر به جای دعوت انجام نشده از سوی دولت چین برای سفر رسمی رئیس‌جمهور ایران به آن کشور، عنوان شود.

وضعیت ایرانیان در سطح جهان

در سال ۱۳۸۷ رفتار ناشایست نسبت به ایرانیان در خارج از کشور باز هم تشدید شد. در حالی که ایرانیان ثروتمند در طول سال‌ها، بزرگ‌ترین فرصت‌های اقتصادی را برای کشورهای کوچکی همچون امارات متحده عربی در خلیج فارس فراهم کرده‌اند و در شرایطی که بحران اقتصادی جهان، نیاز این کشورها به فعالیت اقتصادی ایرانیان در این کشورها را افزایش داده، به دلیل اوضاع نابسامان ایران در صحنه بین‌المللی، رفتار ناشایست نسبت به ایرانیان در سال ۱۳۸۷ در این کشورهای کوچک منطقه نیز تشدید شده است که موجب نگرانی است. سایر حوزه‌ها همچون حوزه ورزش نیز از عواقب تحریم و انزوا یی ایران مصون نمانده‌اند و برای اعزام گروه‌های ورزشی به خارج از کشور، جذب مربی خارجی و رقیب بازی‌های تدارکاتی خود با مشکلاتی مواجه‌اند. سیاست خارجی ایران در رابطه با عراق

سیاست خارجی ایران در رابطه با عراق از معدود بخش‌های سیاست خارجی است که در سال گذشته روند مناسب‌تری داشته است. هر چند معمولاً دخالت نهادهای غیرمسئول در سیاست خارجی ایران مشکلات زیادی ایجاد کرده و می‌کند و در سال‌های گذشته عملکرد نادرست برخی نهادهای نظامی و اطلاعاتی، تنگناهایی را برای تامین منافع ملی و حتی امنیت ملی ایران ایجاد کرده است، اما باید اذعان داشت که با همه آثار منفی فعالیت این گونه نهادها در حوزه سیاست خارجی، دخالت آن‌ها باعث بهبود نسبی سیاست خارجی در برخی از کشورها شده است. بخصوص در مورد عراق باید اذعان کرد که سیاست نسبتاً موفق‌تر ایران، برغم برخی خسارات دخالت نهادهای غیرمسئول، مدیون ورود همین نهادها در سیاست خارجی است؛ چرا که این دخالت‌ها باعث جلوگیری نسبی از انتصاب مأموران نامناسب به وسیله دولت اعمال برخی اقدامات عاقلانه و دوراندیشی‌ها و تدابیر مناسب‌تر شده است. عملی شدن سفر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به عراق را نیز باید در همین چارچوب ارزیابی نمود.

* معاون وزیر خارجه دولت اصلاحات و عضو هیات علمی دانشگاه